

همراهی وقف و تمدن اسلامی در فراز و فرود

جابر دانش*

توسعه و شکوفایی هر فرهنگ و تمدنی در صورتی ممکن و میسر خواهد بود که حرکت آن متعادل و به دور از افراط‌ها و تفریط‌ها باشد و همواره عقل و درایت و تدبیر را فراروی خویش نهد. نابودی و اضمحلال، سرنوشت محتوم حرکت‌هایی است که رفتار عقلانی را به کناری نهاده، خود و پیروان خویش را دچار مصیبتی بزرگ می‌کنند، که تاریخ این نمونه‌ها را بسیار تجربه کرده است. بنابراین «تعادل و عقلانیت پیش شرط توسعه است»، سعی بر آن است که از این منظر تمدن اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و با نگاهی تحلیلی به متون و آثار مرتبط با وقف، اندکی فراتر از توصیفات نگریده شده شود. در این راستا عناوین ذیل مورد توجه خواهد بود:

۱. همراهی وقف و تمدن اسلامی در اوج و فرود؛
۲. وقف، ضامن مصونیت تمدن اسلامی در برابر آسیب‌ها و حملات؛
۳. توجه وقف به ضروریات احتیاجات اولیه و حل مشکلات رونمایی؛
۴. توجه وقف به امور زیربنایی و شالوده‌های تمدن اسلامی؛
۵. آینده‌نگری‌های فرهنگ وقف؛
۶. باریک‌بینی‌های فرهنگ وقف؛

پیش از پرداختن به محورهای یاد شده لازم است اجمالاً در ماهیت و چستی وقف تأمل شود تا تبیین موضوع سهل تر باشد.

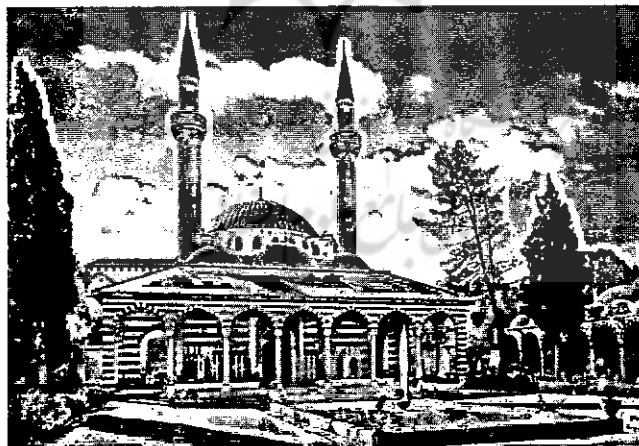
در تعریف وقف چنین گفته اند: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود. منظور از حبس نمودن عین مال، نگاه داشتن عین مال از نقل و انتقال و همچنین از تصرفاتی است که موجب تلف عین گردد، زیرا مقصود از وقف، انتفاع همیشگی موقوف علیهم از مال موقوفه است، و بدین جهت هم آن را وقف گفته اند، چه معنی کلمه وقف در فارسی ایستادن و نگاه داشتن است. منظور از تسبیل منافع، واگذاری منافع در راه خداوند و امور خیریه اجتماعی می باشد.» این معنای در تعریف علمای متأخر و معاصر نیز یافت می شود.^۱

با این وجود در قرآن مجید آیه‌ای که بر وقف و احکام فقهی آن صراحت داشته باشد وجود ندارد، هر چند می توان از آیات مربوط به «احسان و انفاق» و «صدقه» و «قرض الحسنه» و «تعاون» بر جواز و بلکه رجحان و استحباب وقف استدلال کرد.^۲ اما واقع مطلب آن است که وقف جزء حقیقت شرایع الهی نبوده و مولود آگاهی و استغنائی پیروان آن است: «برای وقف، حقیقت شرعی‌ای نیست، بلکه یک امر عقلایی است که میان پیروان تمام ادیان و شاید نزد غیر پیروان ادیان نیز موسوم باشد.»^۳ بنابراین بیره نخواهد بود اگر میزان قبض و گشایش تمدن‌ها (علی‌الخصوص تمدن اسلامی) را با این فرهنگ مرتبط بدانیم و عوارض و احکام وارد بر وقف را بر تمدن اسلامی نیز تعمیم دهیم:

همراهی وقف و تمدن اسلامی در اوج و فرود

وقف در بدو زایش و رشد، نابودی فقر مادی و ظاهری و بر خورداری عموم شهروندان جامعه از امکانات رفاهی را مد نظر داشت اما با توانمندی و بارور شدن تمدن و فرهنگ انسانی، مجال

بیشتری یافته، نابودی فقر معنوی و پنهان را هدف قرار می دهد. نیم نگاهی به تاریخ بیشتر به درک این مطلب کمک می کند: از دوره پیامبر و خلفا گزارش‌هایی از وقف آمده، اما در عصر بنی امیه به وضوح شاهد حضور جدی وقف در تأسیس مراکز علمی و کتابخانه‌ها و معابد و تأمین زندگی طلاب علم و مدرسین هستیم به طوری که وقف از انحصار بر فقرا و مساکین خارج می شود. در زمان حکومت بنی عباس نیز این روند شدت و قوت بیشتری یافت، «در طی این پنج قرن [حکومت عباسیان] که می توان گفت دوران شکوفایی



فرهنگ و تمدن اسلامی شروع شده بود، وقف نیز گسترش زیادی یافت به طوری که از کتب تاریخی و سفرنامه‌ها بر می آید در این عصر در اغلب شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی موقوفاتی وجود داشت که از آن جمله اوقاف بغداد، دمشق، مصر و ایران از اهمیت بیشتری برخوردار بودند.^۴ در همین زمان در ایران نیز که سلجوقیان حکمرانی می کردند، نظامیه‌ها و املاک فراوانی برای اداره آنها به دست خواجه نظام الملک وقف می شود. این روند همچنان در زمان عثمانیان نیز ادامه می یابد.

نضج و گسترش تمدن اسلامی نه تنها باعث افزایش کمی حیطه وقف می شود، بلکه به لحاظ کیفی نیز شاهد تحولات و فرازهای بسیاری هستیم. به عنوان نمونه خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، در

موقوفات دمشق از
حیث تنوع موارد
مصرف آن، خارج از
حد شمار است. یک
دسته از این موقوفات
مخصوص کسانی
است که استطاعت
مالی برای رفتن به
حج ندارند و مخارج
مسافرت آنان از محل
اینگونه موقوفات
پرداخته می شود

وقف‌نامه خویش با وقف املاک بسیار در نقاط مختلف، تقریباً تمامی نیازها و ضرورت‌های اجتماعی را در نظر گرفته و در ضمن آن برای اولاد، مدرسان، متعلمان علوم تفسیر، فقها، مساکین، درویشان، مسافران، مجاوران و سایر اصناف و نیز برای تأمین بیمارستان و تدریس علم طب و شرایط اساتید و دانشجویان، هر کدام سهمی از درآمد موقوفات مقرر داشته است. یادداشت‌ها و سفرنامه‌ها نیز در تفسیر فربهی وقف انگشت حیرت به دهان گرفته‌اند. به طوری که این بطوطه در توصیف اوقاف دمشق می‌نویسد: «موقوفات دمشق از حیث تنوع موارد مصرف آن، خارج از حد شمار است. یک دسته از این موقوفات مخصوص کسانی است که استطاعت مالی برای رفتن به حج ندارند و مخارج مسافرت آنان از محل اینگونه موقوفات پرداخته می‌شود یک دسته دیگر موقوفه‌ها هست که از محل درآمد آنها برای دختران فقیر که می‌خواهند شوهر کنند چیزی به تهیه می‌شود. یک دسته دیگر وقف برای آزاد کردن اسیران است. دسته دیگر وقف ابناء السبیل است که به اندازه کفاف خوراک و پوشاک و خرجی راه به آنان پرداخته می‌شود. اوقاف دیگر هم برای راه‌سازی و نگهداری و سنگچین کردن آنها معین شده زیرا کوچه‌های دمشق از دو طرف، سنگفرش دارد که پیاده‌ها از کنار و سواره‌ها از وسط عبور می‌کنند و موقوفات دیگری نیز برای مصرف سایر امور خیریه در این شهر وجود دارد.»^۶ سایر شهرها نیز وضعیتی این‌گونه داشتند: «در ازمنه سابق در دارالعباده یزد زیاده از چهارصد مدرسه و بقعه شریفه معموره بود که هر یک از آنها موقوفات کلی و جزئی داشتند...»^۷ بعد کیفی فرهنگ وقف تا بدانجا پیش می‌رود که منجر به باریک‌بینی و ظرافت‌پروری خاصی می‌شود و حتی شکستن کاسه چینی غلام‌بچه‌ای را نیز از نظر دور نمی‌دارد، که به دلیل اهمیت این موضوع در بخش دیگران بدان پرداخته می‌شود. به طوری کلی «تظاهر مادی نهاد وقف را در ساختار کالبدی مجتمع‌های زیستی و مسیر میان آنها را می‌توان در چهار مقوله طبقه‌بندی کرد:

۱. احداث تأسیسات عام‌المنفعه میان‌راهی؛
۲. احداث تأسیسات عام‌المنفعه منفرد (تک بنا)؛
۳. مجموعه‌سازی؛
۴. تأمین آب»^۸.

مواردی که بر آنها وقف صورت گرفته را می‌توان به این صورت برشمرد:^۹
مساجد، مدارس، کتابخانه‌های عمومی، بیمارستان‌ها، مسافرخانه‌ها، نوانخانه‌ها، آب انبارها، آبگینه‌ها و قنوات، پادگان‌های نظامی و جنگی، تهیه سلاح و ادوات جنگی برای مجاهدین، تجهیز سربازان و مبارزان، تعمیر پل‌ها و معابر عمومی، قبرستان‌ها، بچه‌های سرراهی، ایتم، معلولین، زمین‌گیران و درماندگان و بیچارگان، زندانیان، کمک و وام به تجار، تهیه بذرهای زراعی برای کشاورزان، تهیه ادوات کشاورزی و چهاربایان برای زارعین، غرس اشجار و درختان میوه برای زیبایی شهر و استفاده عابرین، قرائت قرآن، تأمین مخارج علما و دانشمندان، قربانی عید قربان، اطعام در رمضان، اوقاف برای درمان روانی بیماران، اوقاف برای تشکیل خانواده، وقف برای فرونشاندن خشم‌ها، وقف بر حیوانات، وقف برای مخارج پیگیری شکایت از عمال دیوانی، وقف بر مادران باردار و... را باید افزود. بنابراین با ظهور تمدن اسلامی در عرصه و زمینه‌های مختلف، وقف نیز در عرصه‌های مختلف تجلی می‌کند که البته بررسی دقیق و آماری میزان این همبستگی خود احتیاج به تحقیقات وسیع‌تر و دقیق‌تری دارد.

وقف، ضامن مصونیت تمدن اسلامی در برابر آسیب‌ها و حملات

وقف در برهه‌هایی نیز با فراهم کردن بستری مناسب جهت رشد فرهنگ از تزییع و تخریب آن جلوگیری به عمل آورده است، که می‌توان این موارد را برشمرد:
الف. جلوگیری از تصرف املاک و غارت اسباب و ملزومات اولیه جامعه اسلامی به وسیله حکام

جور

نویسنده کتاب تاریخ اجتماعی ایران می‌نویسد: «مردم برای اینکه لااقل حکام به املاک مطلق آنان

دست نیازند، تدبیری تازه اندیشیدند و بیشتر املاک خود را وقف نمودند، بدین ترتیب که شاید به پشتیبانی خاندان رسالت و عنوان وقف، متسلطین، جرأت تصرف آن املاک را نکنند. این است که بسیاری از املاک حدود کرمان وقف مانده است. مخصوصاً حدود سیرجان که به قول یکی از روحانیون آن حدود که هر وقت قباله‌ای برای امضا نزد او می‌بردند، می‌گفت: پنج دانگ و نیم ملک سیرجان وقف است و در نیم دانگ آن هم شک دارم، و از امضای قباله خودداری می‌کرد...»^{۱۰}

ب. استقلال سیستم وقف از قوای حاکم و عدم توجه به منویات آنها

وقف دارای سیستمی است که خودکفایی و استقلال آن را تضمین می‌کند و از به سلطه درآمدن آن جلوگیری می‌کند به طوری که همواره مورد طمع و چشمداشت حکام بوده، آن را مانع و مزاحم خود می‌دیدند و سعی داشتند به نحوی کنترل آن را به دست گیرند: «مقام صدور موقوفات آن چنان مهم بود که گاهی متصدیان آن مزاحم امور سیاسی کشور نیز می‌شدند. شاه عباس دوم به همین مناسبت

صدر موقوفات را میدان نداد، و شاه سلیمان، مقام «صدرخانه» و صدر موقوفات (اداره موقوفات سلطنتی و موقوفات عمومی) را به دو شوهر عمه خود بخشید.^{۱۱}

ج. ترغیب و تشویق قدرتمندان و سلاطین در

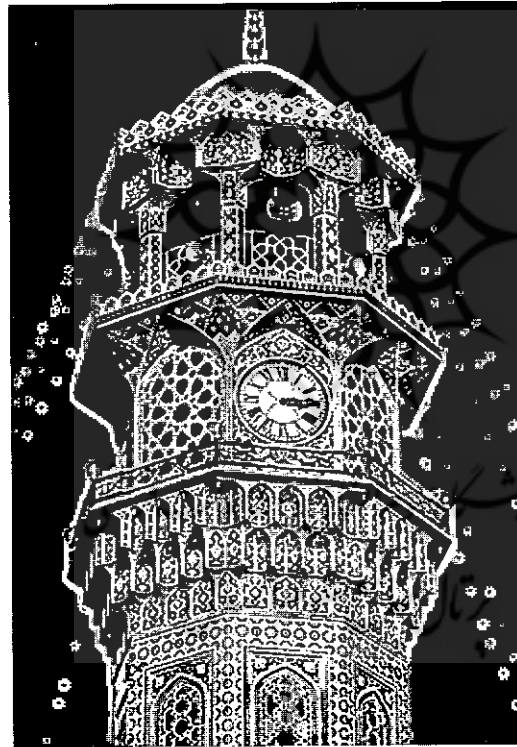
اقدام به وقف و توجه بسیار به متولیان آن

گسترش فرهنگ وقف آنچنان بود که حاکمان را نیز وادار به وقف‌های گسترده‌ای می‌کرد که نمونه‌های بسیاری قابل ذکر است. هر چند نیت و انگیزه اقدام آنان جای تأمل و بررسی دارد، اما مهم آن است که این شکل و این مسیر جهت اقدامی مردمی مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه «طبق آنچه در کتب تاریخی و سیاحت‌نامه‌ها و نوشته‌ها در مورد صفویه وجود دارد آمده است، وقف در زمان این سلسله گسترش زیادی یافت و شاید در هیچ دوره‌ای تاریخ ایران شاهد موقوفاتی به وسعت موقوفات این مقطع از تاریخ نبوده است، حتی خود شاهان صفویه در رأس کسانی قرار داشتند که اقدام به وقف اموال خود می‌کردند، به طوری که بسیاری از املاک را وقف مقاصد خیریه به خصوص وقف

بقاع متبرکه شیعیه و از همه بالاتر آستانه امام رضا(ع) در مشهد و خواهرش حضرت فاطمه(س) در قم کردند. بعضی از این املاک وقفی موقوفاتی بود که به خاندان صفویه پیش از آنکه در ایران به سلطنت برسند تعلق داشت.»^{۱۲}

طبیعی است مقام تولیت موقوفات نیز از اهمیت و جایگاه خاصی، برخوردار بود و سعی شاهان در انتساب این مقام به خود بود: «... شاه طهماسب در فرمانی که در تاریخ ۱۸ جمادی‌الاول ۹۸۴ به رشته تحریر درآمده است تولیت آستانه قم را به شجاع‌الدین محمود واگذار کرده و در آن فرمان تأکید شده است که: متولی طبق احکام شرع و دستور واقف در شروع و تنسیق آستانه مقدسه و مسجد متبرک کوشیده به ضبط محصولات و تعمیر رقبات آنجا قیام نموده، نگذارد که قصوری در آنجا واقع شود و حاصل رقبات آنجا را به موصی که در دستورالعمل مقرر شده... به مصرف وجوب رساند. مستأجران و عمه و کارکنان و رعایای محال متعلقه به آستانه مقدسه و مسجد متبرک اصلاً یک دینار و یک من بار

وقف دارای سیستمی است که خودکفایی و استقلال آن را تضمین می‌کند و از به سلطه درآمدن آن جلوگیری می‌کند به طوری که همواره مورد طمع و چشمداشت حکام بوده، آن را مانع و مزاحم خود می‌دیدند و سعی داشتند به نحوی کنترل آن را به دست گیرند



بی‌وقوف و مهر متولی مشارالیه داد و ستد نمایند و پنهان ندارند و متوجهات خود را به دستور معمول مملکت به متولی جواب گویند، و هیچ آفریده بر خلاف شرع و شرط واقف در موقوفات آستانه مقدسه مسجد مذکور مدخل ننماید.»^{۱۲}

توجه وقف به ضروریات و احتیاجات اولیه و حل مشکلات روبنایی

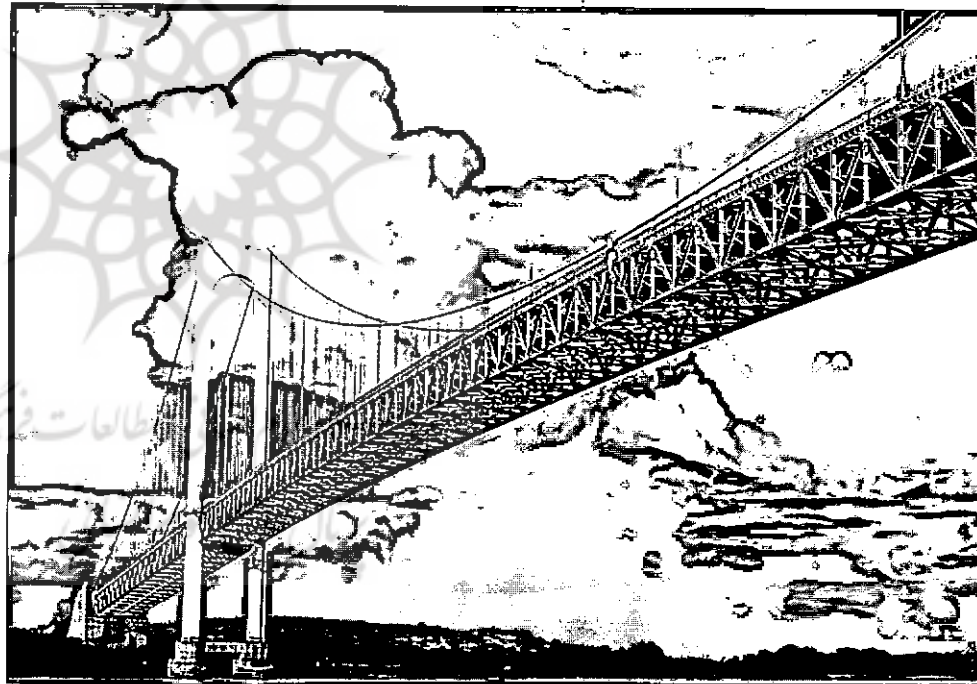
همان‌طور که اشاره شد، وقف تأمین رفاه نسبی برای عموم مردم را در وهله نخست وجه همت خویش قرار داده بود و در این راه، بسیار پیش رفته است. این بعد وقف به وضوح در سیره ائمه اطهار نیز دیده می‌شود. در وقف‌نامه حضرت امیر(ع) چنین آمده است: «... علی، عبدالله و امیر مؤمنان، دو مزرعه ابی‌نیزر و بقیغه را برای فقراى مدینه و این سیل صدقه قرار داد، تا خداوند روز قیامت چهره او را از حرارت آتش مصون دارد. فروخته نمی‌شود، بخشیده نمی‌شود، تا به دست وارث هستی (خدا) برسد.»^{۱۳}

با نگاهی به متون وقف‌نامه‌های به جای مانده، موارد بسیاری در این جهت یافت می‌شود، از جمله «... وقف‌نامه گنجعلی‌خان که املاک زیادی را وقف آستان امام رضا(ع) کرد، این موقوفات شامل چندین رشته قنات، دکاکین، کاروانسرا، زمین مزروعی، باغ، حمام و آب انبار می‌شود، وی طی وقف‌نامه‌ای که در تاریخ ۱۰۰۸ نوشته شده، موارد مصرف عواید این موقوفات را برشمرده است...»^{۱۵}

ناصر خسرو قبادیانی، بیمارستان بیت‌المقدس را چنین توصیف می‌کند: «و بیت‌المقدس را بیمارستانی نیک است و وقف بسیار دارد، و خلق بسیار دارد، و شربت دهند و طبیبان باشند که از وقف مرسوم ستانند.»^{۱۴}

توجه وقف به امور زیربنایی و شالوده‌های تمدن اسلامی

وقف در فرصت‌های مناسب از انحصار در محدوده مسائل معیشتی و رفع نیازهای حیاتی و روزمره مسلمانان خارج شده و به مسائل زیربنایی و بنیادین می‌پرداخت. در این بخش همت واقفان صرف فرهنگ‌سازی و تضمین حرکت جامعه اسلامی در چارچوب صحیح می‌شده است، تا جایی که دسترسی به علم و ادب و فرهنگ و



برخورداری از نعمت تربیت متعالی برای همگان میسر شود. احداث مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، نظامیه‌ها و... در این راستا است: «در دوران سلجوقیان و بخصوص در سلطنت آلپ ارسلان و ملکشاه، که خواجه نظام‌الملک وزارت آنها را به عهده داشت، موقوفات زیادی خصوصاً در زمینه احداث مدارس «نظامیه‌ها» وجود داشت، به طوری که جمع درآمد موقوفات این مدارس به شصت هزار دینار می‌رسید.»^{۱۶}

در توصیف «نظامیه‌ها» جرجی زیدان نیز این‌گونه می‌گوید: «نظام‌الملک اولین کسی بود که در اواسط قرن پنجم هجری به واسطه تأسیس مدارس در ممالک اسلامی شهرت یافت و در بغداد و اصفهان و نیشابور و هرات و غیره مدارس ساخت، و همه این مدارس، به خصوص مدرسه بغداد به نام وی «مدرسه نظامیه» خوانده می‌شود. مدرسه نظامیه بغداد در سال ۴۵۷ هجری به امر نظام‌الملک و به دست ابوسعید صوفی در کنار دجله بنا شد و نام نظام‌الملک را بر سر در مدرسه نگاشتند و بازارها و کاروانسراها و گرمابه‌ها و دهها در اطراف دور و نزدیک

مدرسه خریداری و وقف مدرسه شد و هزینه آن به شصت هزار دینار می‌رسید. این مدرسه از مراکز مهم علمای اسلام گشت و رجال بزرگی از آن مدرسه بیرون آمدند.^{۱۸} و در ادامه می‌افزاید: «نظام‌الملک برای کلیه طلاب علوم و غیر آنان مقرری و انعام تعیین کرده بود و از شام و دیار بکر و عراق عجم و عراق عرب و خراسان تا سمرقند عده کثیری از خوان احسان این وزیر باتدبیر و نیکوکار (ایرانی) بهره‌مند می‌گشت و جمع مقرری‌های او سالیانه ششصد هزار دینار می‌شد...»^{۱۹}

اقدامات امثال نظام‌الملک بسیار مورد عنایت و تقلید دیگران-خواص و عوام- قرار گرفت و به سرعت در سراسر سرزمین اسلامی مشابه این عمل فراگیر شد، «سایر سلاطین و امرا به نظام‌الملک اقتدا کرده در اطراف و اکناف ممالک اسلامی مدارس مجانی دایر کردند...»^{۲۰}

توجه به مدارس و نظامیه‌ها و امر تعلیم و تربیت، عقلا را از عنایت به اسباب و لوازم دیگر تعلیم و تعلم از جمله تأمین مایحتاج مادی و معنوی طلاب و مدرسین نیز باز نداشت. همان‌طور که اشاره شد، «مشاهده می‌شود که در قرن پنجم هجری برای احداث یک مدرسه، با اموالی که وقف بر آن شده بود، شصت هزار دینار سرمایه‌گذاری شده است و برای طالبان علم سالیانه ششصد هزار دینار مقرری پرداخت می‌شده است، که تماماً از محل درآمد موقوفات تأمین می‌شده است. این مطلب از طرفی سهم عظیم وقف در پیشبرد علوم و فرهنگ اسلامی را بیان می‌کند و از سوی دیگر شکوفایی تمدن اسلامی را در آن سده‌ها به رخ عالمیان می‌کشد.»^{۲۱}

مطالعه سفرنامه‌های مستشرقان و سیاحان و نیز متون وقف‌نامه‌ها، ما را به طور کامل در تبیین این موضوع یاری خواهد داد. به عنوان نمونه این بطوطه در سفرنامه خویش اشاره می‌کند: «... در محله صالحیه دمشق، مدرسه‌ای نیز به نام مدرسه «ابن عمر» وجود دارد مدرسه مزبور وقف تعلیم و تعلم قرآن است و معلمین و محصلین آن، مستمری‌هایی دارند که مخارج خوراک و پوشاک آنان را تأمین می‌کند.»^{۲۲}

و یا اینکه در وقف‌نامه مسجد میدان میرعماد در کاشان به تاریخ ۲۳ رجب ۸۷۷ می‌بینیم که واقف مسجد و حمای برای استفاده عموم می‌سازد و بعد تأکید می‌کند که کلیه عواید حاصله از کرایه دکاکین به مصرف تحصیل طلاب و... برسد. واقف از متولی و ناظر می‌خواهد که با دلسوزی و علاقه فراوانی عواید حاصله را به مصارفی که معین کرده است، برسانند و مخصوصاً تأکید می‌کند که فقط طلاب واقعی و عاشقان علم از عواید بهره‌مند شوند، «... شرط فرمود که مدرس هر شش ماه طلبه را امتحان کند و عزل و نصب طلبه موقوفه به رأی شریف مدرس باشد...»^{۲۳}

لذا نباید تصور کرد که اساتید و طلاب قدیم، جهت فراگیری علم و آغاز سفر خویش به شهرهای علمی آن دوران، پیشاپیش مالی را جمع‌آوری می‌کردند، بلکه «عواید موقوفات دارالطلبه‌ها و دارالسیاده‌ها و دارالضیافه‌ها این مشکل را به خوبی حل می‌کرد. لباس، طعام، حمام، بیمارستان، کتابخانه و... همه جا در دسترس آنان بود و می‌توانستند با فراغ بال و آرامش خاطر به تعلیم و تعلم اشتغال ورزند. در مساجد معمولاً وسایلی برای کمک طالبان عمل نیز وجود داشت و این کمک خرج که بنا به رسم زمان آن را «اجرا» می‌گفتند از محل عواید موقوفات پرداخت می‌شد و اگر پدر و مادر دانشجویی برای دیدن فرزندشان می‌آمدند، علاوه بر این که خودشان به رایگان پذیرایی می‌شدند، برای مرکبشان هم طویله و علوفه آماده بود.»^{۲۴}

در این میان توجه به کتاب و کتابخوانی، نیز به عنوان یکی از ابزارهای فرهنگ‌سازی جامعه مدنظر متولیان بود: «نخستین کتابخانه عمومی را خلفای عباسی در بغداد دایر کردند و آن را بیت‌الحکمه نامیدند... و کتاب‌های مختلف علمی را در آن جمع کردند... پس از تأسیس بیت‌الحکمه دیگران هم در بغداد کتابخانه دایر کردند... از آن جمله کتابخانه شاپور ابن اردشیر وزیر بهاء‌الدوله دیلمی... در سال ۲۸۱ است که آن را وقف کرد و بیش از ده هزار جلد کتاب داشت و بیشتر کتاب‌های آن به خط دانشمندان مهم بود و غالباً مؤلفین یک نسخه از تألیفات خود را وقف آن کتابخانه می‌کردند.»^{۲۵}

اینگونه بود که با یکه‌تازی مسلمانان در عرصه علم و فرهنگ در سطح جهانی و ظهور نوابغ در طول سده‌های دوم تا نهم هجری در قلمرو اسلامی، قسمت عمده‌ای از موقوفات نیز به رشد شاخه‌های مختلف علوم اختصاص یافت.

نخستین کتابخانه

عمومی را خلفای

عباسی در بغداد

دایر کردند و آن را

بیت‌الحکمه نامیدند...

و کتاب‌های مختلف

علمی را در آن جمع

کردند... پس از

تأسیس بیت‌الحکمه

دیگران هم در بغداد

کتابخانه دایر کردند

آینده‌نگری‌های فرهنگ وقف

مجموعه وقف خود دارای ارکانی است که ضامن بقا و حفظ و اداره حیات آن است و عملاً با وضع احکام و قواعدی از تضييع آن جلوگیری می‌کند. البته ذات این فرهنگ خود نیز عملاً باعث حفظ بسیاری از مالکیت‌ها و منع تخریب‌ها شده است. در واقع در برابر نهاد ارث در اسلام که عملاً باعث پاره‌پاره شدن املاک و مستغلات و مستحدثات است، شارع اسلام، نهاد وقف را با اهداف معتابیهی منجمله حفظ تمامیت مالکیت ملک در نسل‌های آینده، وضع نمود. در چنین حالتی نه تنها خانواده واقف با اداره موقوفه، از عایدات ملک منتفع می‌گردند، بلکه از نتیجه این عمل خیرخواهانه، طبقات معینی از مردم و یا عامه بهره‌ور می‌شوند این مطلب مورد تأکید «ر. ن. فرای» نیز هست: «... در زمانی که نیروهای دیگر در کار توسعه املاک بودند، تقسیمات پی در پی ناشی از این عامل [مانند ارث] موجب پاره‌پاره شدن املاک وسیع گشت... اما اسلام نهادی را مورد توجه دقیق قرار داده بود که از برخی لحاظ روا می‌داشت که نص قانون رسمی وراثت نادیده گرفته شود، این نهاد وقف نام داشت. نهاد وقف که عبارت بود از انتقال ملکی برای استفاده پاره‌ای از طبقات معینی از اشخاص با اقدامات خیرخواهانه عمومی، از سوی قانون شرعی ضمانت می‌شد، و بنا بر حکم بانی وقف، قرار گذاشته می‌شد که اداره مال موقوفه در دست خانواده او یا فردی از خانواده او باشد، یا این حق که از عایدات مال موقوفه مبلغی کافی برای گذران خانواده بانی وقف و تأمین مخارج اداری خود مال وقفی کم شود. نتیجه‌ای که غالباً در این کار منظور نظر بود، حفظ تمامیت قسمت معینی از مالکیت ملک مورد نظر در نسل‌های آینده بانی وقف بوده است.»^{۲۶}

علاوه بر این گاه تمهیدات خاص دیگری نیز در موقوفات اندیشیده می‌شود که حاکی از بینش بالای واقفان آن است، همچون تمهیدی که شیخ فضل‌الله همدانی در ربیع رشیدی جهت ادامه فن طبابت اندیشیده بود: «... در ربیع رشیدی طبییان تربیت می‌شدند و مراحل و شرایطی برای تحصیل علم طب در این موقوفه حکمفرما بود؛ شرط می‌رود که طبیعی حاذق ملازم آن باشد و رعایا را مداوات کند... و باشد که آن طبیب قادر باشد که درس طب دهد و متعلم را همواره درس گوید. سپس در ادامه شرایط آمده است که متعلمان باید مردمی زیرک بوده و در تحصیل علم طب باهوش و با جدیت و متدین باشند. و دوره درس طب پنج سال قرار داده شده بود و در این پنج سال مدرسان باید دانشجویان را بدان مقام برسانند که دانشجویان بتوانند بیماران را علاج کنند و حاذقیت و کاردانی متعلمین نیز باید توسط استاد تأیید می‌شد.»^{۲۷}

باریک‌بینی‌های فرهنگ وقف: وقف و غیرمسلمان

روح متعالی شریعت اسلام، نهاد وقف را به باریک‌بینی‌ها و ظرافت‌کاری‌های بسیاری واداشته که به واسطه جلوه تمدن اسلامی در آن، زیباتر و لطیف‌تر شده است. بیان مصادیق این بخش مجال بسیاری می‌طلبد که فقط به چند مورد آن که قابل تأمل است. اشاره می‌شود:

الف. برخورد عطف‌فراوانه وقف با افراد خارج از حلقه اسلام

«اسلام وقف بر یهودیان و مسیحیان را هم که در پناه اسلام به سر می‌برند، و حتی برای کسانی که از پدر و مادر غیرمسلمان متولد شده و اسلام آورده‌اند و سپس اسلام را کنار گذاشته‌اند، به خصوص اگر وقف برای ارحام باشد جایز دانسته است. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «وقف بر ذمی و مرتد غیرفطری، به خصوص اگر خویشاوند باشد، ظاهر صحیح است. و اما صحت وقف بر کافر حربی و مرتد فطری محل تأمل است.»^{۲۸} حتی طبق نظر برخی از علما مانند مرحوم آیت‌الله یزدی وقف بر کافر حربی هم برای ترغیب او بر خیر جایز است. از طرف دیگر در واقف نیز مسلمان بودن شرط نیست، بلکه وقف کردن کافر نیز صحیح است.^{۲۹} بنابراین اسلام از یک طرف با اعلام صحت وقف بر کافر حتی کافر حربی او را تشویق می‌کند که دست از معاندت برداشته، نوید رحمت را در گوشش زمزمه می‌کند و

اسلام از یک طرف با اعلام صحت وقف بر کافر حتی کافر حربی او را تشویق می‌کند که دست از معاندت برداشته، نوید رحمت را در گوشش زمزمه می‌کند و از اسلام چهره مهربانی تصویر می‌کند که حتی دشمنان خود را در آغوش محبتش جای می‌دهد



از اسلام چهره مهربانی تصویر می‌کند که حتی دشمنان خود را در آغوش محبتش جای می‌دهد، و از سوی دیگر به کافر این امکان را می‌دهد که با وقف اموال خود نیاز فطری و انسانی خود به احسان و نیکوکاری را ارضا کند و خود را جدا از هموعان خود احساس نکند و تصور نکند که از جامعه طرد شده و امکان بازگشتش نیست. به نظر می‌رسد وقف با داشتن این احکام و این میدان وسیع می‌تواند یکی از موثرترین طریق تألیف قلوب مردم جهان باشد.^{۲۱}

ب. تأثیر مثبت وقف بر مستشرقین و سیاحان غربی

عام بودن استفاده از موقوفات باعث بهره‌مندی سیاحان نیز بوده است که در سفرنامه‌ها موارد متعدد آن را می‌توان یافت. این موضوع تأثیری بسیاری بر دید آنها نسبت به تمدن شرق و کشورهای اسلامی داشته سبب شده همواره به نیکی از آن یاد کنند و تصویری به جهانیان ارائه دهند که شنیدنی است، تنها به توصیف جرجی زیدان مسیحی در کتاب تاریخ تمدن اسلام اشاره می‌شود: «بیمارستان‌های اسلامی آن روز در کمال نظم و ترتیب اداره می‌شد، و بدون توجه به ملیت و مذهب و شغل، همه بیماران در نهایت دقت معالجه می‌شدند. هر مریضی سالن یا سالن‌های مخصوصی داشته است، پزشکیاران و پرستاران بیماران را معاینه می‌کردند و دوا و غذای آنان را تعیین می‌نمودند. هر مریضی که بهبود می‌یافت، مرخص می‌شد و هر که می‌مرد مخارج کفن و دفن او را بیمارستان می‌داد و در عین حال طب و داروسازی نیز در همان محل تدریس می‌شد و شاگردان علاوه بر تحصیل علمی، تمرین عملی نیز داشتند.»^{۲۲}

ج. به‌کارگیری روش‌های هوشمندانه در امور مختلف

یافتن مصادیق این مقوله نیز با اندکی کنکاش دشوار به نظر نمی‌رسد، از جمله می‌توان به نوعی وقف در درمان روانی بیماران اشاره کرد: «در لبنان موقوفه‌ای است که از عواید آن باید دو نفر هر روز در بیمارستان‌ها بر بالین بیماران حاضر شوند، و در حالی که با هم نجوا می‌کنند به طوری که مریض صدای آن دو را بشنود. این جملات را به صورت عادی رد و بدل کنند: می‌بینم که از روز گذشته خیلی بهتر است! چشمانش را ببین! قیافه‌اش را نگاه کن! به نحوی که بیمار صدای آنها را بفهمد، و با این تلقین معتقد شود که بیماری وی رو به بهبود است و صحت یافتن او حتمی خواهد بود...»^{۲۳}

باریک‌بینی‌های واقفان مورد اشاره نویسنده کتاب مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف نیز جالب است: «... واقفی، قسمتی از اموال و املاک خود را وقف کرده است که عواید آن را برای هزینه شکایت ستمدیدگان از عمال دیوان و مأموران دولت، خرج کنند. واقف دیگری، مقرر می‌دارد که از عواید موقوفه برای زوار کفش و پاپوش تهیه کنند. واقفی هم با توجه به نیاز و مقتضیات روز، یک دست لباس عروس با زیور و زینت لازم وقف کرده است تا فقرا به نوبت از آنها استفاده کنند...»^{۲۴}

د. توجه به تمام جوانب و جزئیات زندگی روزمره، حتی بذل عنایت به حیوانات

بالاخره باید گفت وقف از شؤونات مختلف زندگی و ملزومات و احتیاجات آن غافل نبوده، برای تمام آنها تدابیری اندیشیده است، مثلاً در مورد غازان‌خان چنین می‌یابیم:

«... غازان‌خان پس از آنکه مسلمان شد به ایجاد موقوفات همت گماشت، که رشیدالدین فضل‌الله آنها را در تاریخ مبارک غازانی شرح داده است. وی برای گنبد عالی، مسجد جامع، مدرس دارالسیاده، دارالشفاء، بیت‌الحکمة، ملاس بیماران، بیت‌القانون، بیت‌المتولی، حوضخانه، گرمابه و... موقوفاتی در نظر گرفت، به طوری که از تاریخ مبارک غازانی بر می‌آید برای مدارس، مساجد، خانقاه‌ها و دارالسیاده و دارالشفاه، فرش و طرح و بهای شمع و مذاب و عطر و مصالح حلاوة در شب‌های جمعه و جز اینها معین نمود و برای گرداندگان این مؤسسات از قبیل خطیب، امام، واعظ، مؤذن، مدرس، معبد، فقیه، متعلم، مکبر و عمله و دیگران مواجب و حقوق تعیین کرده و دستور داده برای بیمارستان‌ها پی از تأمین

وسایل لازم، ادویه و اشربه و معاجین و مراهم و اکحال و مزورات و جامه خواب و ملبس تهیه و آماده کنند و مواجب طبیب و کحال و جراح و خازن و عمله را بپردازند و برای تجهیز و دفن اموات پیش‌بینی‌های لازم را نمود و برای گرمابه‌های مجانی، مصالح، میرز و سطل و چراغ و بیل و مجرفه و هیزم و علف و گلخن آماده کرد و جهت کارگران حمام حقوق تعیین کرد و...»^{۲۴}

در این وقف‌نامه به پرندگان نیز توجه شده است: «... انواع مرغان که در شش ماه زمستان که سرما و برف باشد، گندم و گاورس مناصفه بر بام ریزند تا بخورند و هیچ کس آن مرغان را نگیرد و هرکه قصد ایشان کند در لعنت و سخط حق تعالی باشد و متولی و ساکنان بقاع مانع و معترض نشوند و الا آثم باشند.»^{۲۵} ترحم وقف بر حیوانات حتی سگ‌های کور نیز شامل شده است: «... مالک باریک‌بینی، ملکی را وقف می‌کند و مقرر می‌کند که عواید آن برای طعمه سگ‌های کور و خریدن خشت لحد فقرا و یا حفر قبر آنان، خرج شود.»^{۲۶}

مرحوم حاجی شفیع ابریشمی زنجانی نیز در موقوفه خود، شب‌های عید نوروز و چهارشنبه‌سوری هر سال را علاوه بر امور دیگر منظور می‌دارد: «... هر سال شب‌های عید نوروز، پنجاه دست لباس دختران و پنجاه دست لباس پسرانه همراه کفش و جوراب از عواید موقوفه تهیه و به اطفال یتیم تحویل شود. و در چهارشنبه‌سوری هر سال، به یک صد خانواده مستحق و آبرومند زنجان، که قادر به سؤال و تکدی نیستند، پول نقدی داده می‌شود.»^{۲۷}

با ذکر حکایتی از سفرنامه ابن بطوطه، بیشتر با زیبایی‌ها و نکته‌سنجی‌های این بعد آشنا می‌شویم: «روزی در یکی از کوچه‌های دمشق می‌گذشتیم. غلام‌بچه‌ای را دیدم که از دستش یک کاسه چینی که در دمشق صحن نامیده می‌شود، افتاد و بشکست. مردم گرداگرد او جمع شدند. یکی از آن میان گفت که غم نخور شکسته‌های کاسه را جمع کن ببریم پیش رئیس اوقاف ظروف، غلام‌بچه خرده‌ها را جمع کرد و آن مرد همراه او پیش رئیس اوقاف مزبور رفت و پول ظرف را گرفت و به او داد.»^{۲۸}

آنچه گذشت تنها گوشه‌ای از جلوه و سیمای وقف را به نمایش گذاشت و سعی بر آن داشت که ارتباط تنگاتنگ و دو طرفه وقف و مجموعه فرهنگ و تمدن اسلامی را به اثبات رساند، نشان دهد که اوج و فرود، سلامت و بیماری، کارایی و عدم کارایی در حل مشکلات روینایی و زیرساختی، آینده‌نگری و باریک‌بینی هر یک در گرو رشد و بالندگی و فرهیگی و تعالی دیگری است. متأسفانه امروزه با افول تمدن

اسلامی، فرهنگ وقف نیز کمرنگ‌تر شده، که خود زنگ خطری است برای دلسوزان و فرهیختگان عرصه فرهنگ و اندیشه. با این حال شهروند امروزی، با گشت و گذار در اغلب بناهای گذشته مانند بازارها، مساجد و مدرسه‌ها و... آنها را وقفی می‌یابد و به وضوح در می‌یابد که وقف باعث ماندگاری و انتقال اسباب ظاهری فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به نسل‌های آینده است.





پی‌نوشت‌ها

۱. حقوق مدنی، دکتر حسن امامی، انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۶۶، جلد اول، باب دوم در وقف، ص ۶۹-۶۸.
۲. «الوقف ثمرته تحبیب الاصل و اطلاق المنفعة»، شرایع الاسلام، محقق حلی، جلد ۲، کتاب وقف چاپ بیروت.
۳. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، مصطفی سلیمی‌فر، ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول: ۱۳۷۰، ص ۵۲.
۴. کتاب البیع، امام خمینی (ره)، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان قم، جلد ۳، ص ۸۱.
۵. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، مصطفی سلیمی‌فر، ص ۷۰.
۶. سفرنامه ابن بطوطه، جلد اول، ص ۱۰۵، به نقل از: مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ابوسعید احمد بن سلمان انتشارات سازمان اوقاف، ۱۳۵۸ ص ۴۲-۴۳.
۷. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، چاپ چهارم، تهران، ج ۴، ص ۷۵۵.
۸. مجله صفا، نشریه علمی پژوهشی معماری، شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱، «احیای فرهنگ وقف با هدف تسهیل زندگی در مجتمع‌های زیستی»، بهران قدیری، ص ۳۷.
۹. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، مصطفی سلیمی‌فر، ص ۱۴۵-۱۴۷.
۱۰. تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۴، ص ۷۵۵-۷۵۶.
۱۱. سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، مجید ابراهیم باستانی پاریزی، ص ۷۷.
۱۲. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، مصطفی سلیمی‌فر، ص ۸۰.
۱۳. تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۴، ص ۷۷۴.
۱۴. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، مصطفی سلیمی‌فر، ص ۱۴۴.
۱۵. همان، مصطفی سلیمی‌فر، ص ۸۸.
۱۶. سفرنامه ناصر خسرو و قبادیانی مروزی، به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی، انتشارات زوار، چاپ ششم، تهران ۱۳۷۵، ص ۳۷.
۱۷. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، مصطفی سلیمی‌فر، ص ۷۷.
۱۸. تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه علی جواهرکلام، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران ۱۳۷۳، جلد سوم، ص ۶۲۸.
۱۹. همان، ص ۶۲۷.
۲۰. همان، ص ۶۲۸.
۲۱. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، مصطفی سلیمی‌فر، ص ۱۵۸.
۲۲. سفرنامه ابن بطوطه، جلد اول، ص ۱۰۱.
۲۳. مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ابوسعید احمد بن سلمان، ص ۷۲-۷۳.
۲۴. همان، صفحه ۲۷.
۲۵. همان، صفحه ۲۷.
۲۶. تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، ر. ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۲، جلد چهارم، ص ۲۷۱.
۲۷. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، مصطفی سلیمی‌فر، ص ۱۵۱-۱۵۲.
۲۸. تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)، جلد ۲، کتاب وقف، ص ۶۹.
۲۹. همان، ص ۶۷.
۳۰. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، مصطفی سلیمی‌فر، ص ۱۸۰-۱۸۱.
۳۱. تاریخ تمدن اسلام، جلد سوم، ص ۶۱۰.
۳۲. جامعه توحیدی اسلام و عدالت اجتماعی، مصطفی السباعی، ترجمه سیدمحمد حیدری، ص ۲۶۰-۲۶۱ به نقل از: مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ص ۴۴.
۳۳. مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ابوسعید احمد بن سلمان، ص ۴۱-۴۲.
۳۴. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، مصطفی سلیمی‌فر، ص ۸۵-۸۶.
۳۵. تاریخ مبارک غزاتی، رشیدالدین فضل‌الله، صفحه ۴۰ به بعد به نقل از: نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، ص ۸۶-۸۵.
۳۶. مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ابوسعید احمد بن سلمان، ص ۴۲، چاپ جدید این کتاب [احمد صادقی گلدار، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف، تهران ۱۳۸۴].
۳۷. همان، ص ۴۲.
۳۸. سفرنامه ابن بطوطه، جلد اول، ص ۱۰۵.